



دکتر ترقیه پوران
پژوهشگر ساداکتری اقتصاد
دانشگاه الزهرا (س)

تغییر نظم جهانی در عرصه نظام پولی جهانی؛

سیر تحول نظام پولی بین‌المللی در راستای خروج از یک‌جانبه‌گرایی آمریکا

تحولات نظام پولی جهان از آغاز تاکنون، تحت الشعاع قدرت‌طلبی‌های سیاسی و اقتصادی قدرت‌های جهانی بوده است. شاید بتوان گفت شروع یک‌جانبه‌گرایی در نظام پولی جهان به اواخر قرن ۱۸ و دوره اندیشه مرکانتیلیستی اروپا - با محوریت بریتانیای کبیر - در اقتصاد برمی‌گردد که موجب رقم خوردن نظام پولی بین‌المللی «پایه طلا» در قرن ۱۹ در جهان شد. پس از وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و تغییر موازنه قدرت، آمریکا نیز توانست خود را به جرگه نظام پولی جهان وارد کند و در قرن ۲۰، «دلار» را در مناسبات پولی بین‌المللی به قوی‌ترین پول جهانی تبدیل کند. دیری نگذشت که تلاش‌های کشورهای اروپایی با محوریت فرانسه و آلمان در راستای احیای قدرت اقتصادی و سیاسی خود، منجر به شکل‌گیری «اتحادیه اروپا» و پول مشترک «یورو» شد. در همین راستا، «یورو» مبنای مبادلات اقتصادی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا قرار گرفت. از طرف دیگر، کشورهای بلوک شرق نیز که از همان دوران جنگ‌های جهانی به دنبال یافتن پایگاه اقتصادی و سیاسی در جهان بودند، از قافله نظام پولی بین‌المللی عقب نماندند؛ به‌گونه‌ای که «ین» ژاپن از همان ابتدای جریان‌ات برتون وودز و تلاش برای تشکیل نظام پولی بین‌المللی، در سبب پولی بین‌المللی قرار گرفت و طی دهه اخیر با تعمیق قدرت اقتصادی و سیاسی چین، «یوان» نیز توانست به عرصه پول‌های پر قدرت جهان، ورود پیدا کرد. به این ترتیب، در قرن ۲۱ سایه تغییر نظم نوین جهانی بر نظام پولی جهان و به موازات آن، بر هم خوردن موازنه قدرت اقتصادی در جهان، بیش از پیش مشهود بوده و با سرعت بیشتری در حال پیشروی است.

به طور کلی، تغییر نظم جهانی در عرصه پولی رامی توان با سطح بندی نظام های پولی بین المللی در سه گام تعیین نمود:

گام اول: نظام پایه طلا

اولین نظام پولی دنیا، نظام پایه طلا بوده است؛ علی رغم اینکه این نظام در قالب گردش طلا به عنوان سرمایه و دارایی جاری، زمینه را برای موازنه پرداخت ها به صورت خودکار فراهم می نمود و ضرورتی به دخالت سیاست های اقتصادی و واسطه گیری های بانک های مرکزی برای عملکرد صحیح این نظام نبود، گاه قوانین زیربنایی لازم برای عملکرد صحیح و بدون عیب و نقص نظام پایه طلا، زیر پا گذاشته شده و پایبندی عمومی به این قوانین در سطح جهانی در بازه زمانی محدودی رخ داده، به گونه ای که نظام پایه طلا طی سال های ۱۸۸۰-۱۹۱۴ در مبادلات جهانی، به ویژه در بریتانیای کبیر، مورد استفاده قرار گرفته است. در اواخر قرن ۱۹ میلادی، نظام پایه طلا حرکتی تکاملی به نظام طلا-ارز طی کرد و بر اساس آن، لیره استرلینگ به عنوان پول قابل قبول همه کشورها و شهر لندن، به عنوان مرکز پولی جهان محسوب می شد و مدیریت نظام پولی جهان در اختیار بانک انگلستان بود، به گونه ای که بریتانیای کبیر به عنوان معتبرترین صادرکننده سرمایه با بهره های بلندمدت در اقتصاد جهان مطرح شد و در ابعاد وسیعی، سرمایه های کوتاه مدت را از خارج کشور، جذب خود می کرد. نمی توان از نظر دور داشت که انگلستان، بخشی از این اعتماد را از طریق سیاست های مستعمراتی خود و قابلیت دسترسی به ذخایر طلا به ودیعه گذاشته شده هندوستان در بانک انگلستان، به دست آورده بود. در مواردی که ذخایر طلا داخلی پاسخگوی خلأ ناشی از عدم

ورود طلا از خارج نبود، بانک انگلیس می کوشید تا با افزایش نرخ تنزیل به جذب سرمایه ها از خارج، قوت و عمومیت بیشتری ببخشد.

ایالات متحده آمریکا در آن زمان، فاقد دستگاه مالی قوی و تکامل یافته ای بود. نخستین بار در سال ۱۹۱۳، نظام بانک مرکزی آمریکا بنیان گذاری شد و تا قبل از آن، مرکز مالی لندن کم و بیش نقش بانک مرکزی را در سطح جهانی ایفاء می کرد. در مواقعی که بازار مالی آمریکا با تنگنارو برو می شد، آمریکایی ها موجودی های نقدی خود را در بانک های انگلیسی با طلا معاوضه می کردند. در چنین شرایطی، بانک لندن نرخ بهره خود را بالا می برد تا از این طریق، سرمایه های کوتاه مدت کشورهای دیگر، به ویژه فرانسه را جذب کند. در دوران نظام پایه طلا، بانک انگلستان عملیات مالی خود را با ذخایر طلا نسبتاً اندکی به اجرا درمی آورد. نقطه اتکای این بانک، کاملاً بر سازوکار نرخ تنزیل استوار بود که در مواقع لازم از آن برای خنثی کردن تنش های ناشی از عدم ورود طلا و طبیعی سازی اوضاع بهره می گرفت. محدودیت شدید ورود طلا که می توانست همراه با بحران های سیاسی پدید آید، عملکرد نظام پایه طلا را به مخاطره می انداخت. به همین دلیل، این نظام پولی، وابستگی بسیاری به ثبات سیاسی در جهان داشت و با آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴)، نظام پایه طلا به عنوان یک نظام پولی جهانی به حیات خود در قالب کلاسیک و سنتی پایان داد. در واقع، جنگ جهانی اول بسیاری از مناسبات اقتصادی را به شکل زیربنایی تغییر داد. ایالات متحده آمریکا که قبل از جنگ جهانی پیشترین بدهی های خالص را به سایر کشورهای جهان داشت، به صورت فزاینده ای به یک کشور بستانکار تبدیل شده بود. کشورهای اروپایی به ویژه

جدید را پی‌ریزی کنند. دو طرح کی‌نس^۳ انگلیسی و وایت آمریکایی^۴ -که بیش از همه مورد استقبال قرار گرفته بود- تا حدودی متناسب با منافع کشورهای انگلیس یا آمریکا، تنظیم شده بودند و هر دو، وجود یک اتحادیه و پایگاه قوی را برای ثابت نگه داشتن نرخ ارزها کاملاً ضروری می‌دانستند. بر این اساس، کشورهای عضو می‌توانستند از طریق خریداری سهام بر اساس موجودی‌های طلا، وضعیت تراز پرداخت‌ها و درآمد ملی کشور خود در اتحادیه، شرکت داده شوند. در نهایت، میان آمریکا که صاحب ذخایر طلای فراوانی در آن دوره بود و بیشترین بدهی را به اتحادیه تهاتری داشت و انگلستان که با کمتری بودجه قابل توجهی روبرو بود، توافقنامه‌ای به امضاء رسید که منافع هر دو کشور در آن، دیده شده بود. تحت فشار آمریکا، انگلستان مجبور به عقب‌گرد از برخی بندهای طرح کی‌نس شد و نتیجه مذاکرات، به تشکیل صندوق بین‌المللی پول منجر شد که عموماً بر اساس دیدگاه‌های مطرح شده در طرح وایت پی‌ریزی شده بود. به علاوه، از نتایج دیگر این مذاکرات، تشکیل «بانک جهانی» در راستای بازسازی و توسعه کشورها بود و تداوم مذاکرات برای بهبود نظام پولی بین‌المللی، به ایجاد «حق برداشت مخصوص» در سال ۱۹۷۰ و حذف دلار به عنوان تنها ارز پایه در مبادلات بین‌المللی منجر شد و به این ترتیب، نظام پایه دلار -که بعد از جنگ جهانی اول شکل گرفته بود- به نظام پایه حق برداشت مخصوص تبدیل شد.

به‌طور کلی، حق برداشت مخصوص، تنها ابزار محاسباتی، پرداختی و حفظ ارزش و همچنین، سرمایه‌قابل محاسبه و قابل پرداخت برای انجام تمام معاملات ملی و

آلمان -که نقش اصلی در جنگ ایفاء می‌کرد- شاهد تورم شدید و بی‌ارزش شدن پول‌های ملی خود بودند، به‌گونه‌ای که امکان هرگونه بازگشت به برابری طلا یا قابلیت تعویض آن با سایر ارزها به شکلی که قبل از شروع جنگ مرسوم بود، غیرممکن بود (بیکر و لیند^۱، ۱۹۷۶).

گام دوم: نظام پایه طلا- دلار

شرایط بین‌المللی بعد از جنگ اول جهانی به‌گونه‌ای شده بود که کشورهایی که قبل از جنگ صادرکننده سرمایه بودند، دچار کمبود سرمایه شدیدی شدند و در عمل، تداوم نظام پایه طلا با مشکلات جدی مواجه شد. وقوع بحران‌های مالی بین‌المللی در این زمان، به‌ویژه سقوط سهام در بازار بورس نیویورک و بروز بحران مالی بین‌المللی در سال‌های ۱۹۲۹، به شکل‌گیری نظام پایه طلا-ارز منجر شد و پوند انگلیس و دلار آمریکا به‌عنوان ارزهای معتبر جهانی در این نظام پولی تلقی، جای باز کردند. اندک کشورهایی که به نظام پایه طلا متکی بودند، عملاً با وقوع جنگ دوم جهانی به نظام پولی جدید روی آوردند (محتشم‌دولت‌شاهی، ۱۳۷۸).

گام سوم: حرکت نظام پولی جهان به سوی نظام پایه حق برداشت مخصوص (SDR)^۲

در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم و به دنبال رکود بزرگ در اقتصاد جهانی، در سال ۱۹۳۳ مذاکراتی در لندن جریان داشت که زمینه را برای تشکیل یک کنفرانس اقتصادی جهانی فراهم می‌کرد. در نهایت، در جولای ۱۹۴۴، نمایندگان ۴۵ کشور در برتون-وودز گرد هم آمدند تا اصول اولیه یک نظام پولی بین‌المللی

۳ . Keynes

۴ . Harry D. Whit

۱ . Yeaqer & Leland

۲ . Special Drawing Rights

بین‌المللی در کنار پول ملی در بخش‌های دولتی و خصوصی و در کنار سایر پول‌ها، در دادوستدهای بین‌المللی کشورهایی محسوب می‌شود که عضو این نظام هستند. از این گذشته، مهم‌ترین ذخیره پولی در سطح بین‌المللی بوده و نگهداری آن بدون هرگونه الزام و به صورت داوطلبانه است که باید دارای نسبت کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای در ارتباط با کمیت پول داخلی در بانک‌های مرکزی باشد. یکی از اهداف نظام پایه حق برداشت مخصوص، این است که نواقص آشکار نظام برتون-وودز را که در آن ایالات متحده نقش یک بانک مرکزی جهانی رابه عهده گرفته و در این سال‌ها با مسامحه‌کاری و بی‌توجهی کامل و اعمال سیاست‌های اقتصادی یک‌جانبه، بدون در نظر گرفتن وضعیت تراز پرداخت‌ها، تنها به ارزش‌تر شدن دلار پرداخته است، از میان بردارد. اکثر کشورهای عضو صندوق پس‌انداز بین‌المللی بیش از این حاضر نبودند تحت نفوذ سیاست‌های

اقتصادی ایالات متحده آمریکا قرار گیرند. انتظار می‌رفت در چارچوب این نظام پولی، عوارض تورمی کمتری نسبت به نظام پایه دلار مشاهده شود (برق لامع؛ ۱۳۸۶). حق برداشت مخصوص در ابتدا معادل ۰٫۸۸۱۶۷۱ گرم طلای خالص یا یک دلار آمریکا بود، اما پس از فروپاشی نظام پولی برتون وودز و در فاصله سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۷۰، به عنوان سبیدی از ۶٪ ارز عمده بین‌المللی در نظر گرفته شد که سهم هریک از ارزها در جدول (۱) آمده است. همچنین تا سال ۱۹۸۷ به‌طور پراکنده ارز برخی کشورها از سبد حذف و ارز کشورهای دیگری به سبد اضافه شدند تا جایی که «ریال» ایران و عربستان سعودی نیز در سال ۱۹۷۸، در سبد قرار گرفته بود.

البته از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶، در دوره‌های متناوب و تصمیم‌گیری‌های بعدی در مورد ترکیب سبد حق برداشت مخصوص، از تعداد ارزهای موجود در سبد، به تدریج کاسته و به‌ارز کاهش یافت (جدول

پول کشورها		۱۹۷۲- ۱۹۷۰	۱۹۷۴	۱۹۷۸
ایالات متحده (دلار)		۲۴/۶	۳۳	۳۳
انگلستان (لیره استرلینگ)		۱۰/۸	۹	۷/۵
جمهوری فدرال آلمان (مارک)		۵/۸	۱۲/۵	۱۲/۵
فرانسه (فرانک)		۵/۲	۷/۵	۷/۵
ژاپن (ین)		۴/۱	۷/۵	۷/۵

جدول (۱) ترکیب سبد ارزی حق برداشت مخصوص (SDR) در سال‌های ابتدای تشکیل؛ ۱۹۷۲-۱۹۷۸ - برحسب درصد

۵	۶	۳/۸	کانادا (دلار)
۵	۶	۳/۴	ایتالیا (لیر)
۵	۴/۵	۲/۵	هلند (گیلدر)
۲	۱/۵	۲/۴	استرالیا (دلار)
۴		۲/۲	بلژیک (فرانک)
۱/۵	۱/۵	۱/۴	اسپانیا (پستای)
۵/۵	۱	۰/۸	اتریش (شلینگ)
	۱/۵		دانمارک (کرون)
۲		۱/۱	سوئد (کرون)
	۱	۰/۹	آفریقای جنوبی (راند)
		۱/۶	آرژانتین
		۱/۶	برزیل
		۳/۵	هندوستان
		۱/۳	مکزیک
		۱/۲	ونزوئلا
		۱/۰	اندونزی
		۰/۹	پاکستان
	۱/۵	۰/۸	نروژ (کرون)
۱/۵		۰/۷	زلاتدنو
		۰/۷	یوگسلاوی
		۰/۷	مصر
۳			عربستان سعودی (ریال)
۲			ایران (ریال)
		۱۶/۶	سایر کشورها
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	مجموع

جدول (۲) ترکیب سبد ارزی حق برداشت مخصوص (SDR) در سال‌های ابتدای تشکیل؛ ۱۹۷۸-۱۹۷۲- برحسب درصد

با پیوستن یورو به سبد SDR در سال ۱۹۹۹، به دومین ارز پر مبادله در بازار بین‌المللی پس از دلار، تبدیل گردید و از همین زمان، ارز دو کشور اروپایی (آلمان و فرانسه) از سبد حق برداشت مخصوص حذف و یورو جایگزین شد. در ادامه تحولات اقتصادی قرن بیستم، افزایش قدرت رقابت‌پذیری چین در مراودات اقتصادی جهان، به پذیرش روزافزون یوان در عرصه بین‌المللی منجر شد و در نهایت، از سال ۲۰۱۵، یوان چین در زمره ارزهای سبد حق برداشت مخصوص قرار گرفت. روند فزاینده رشد اقتصادی چین و کسب جایگاه اقتصادی آن در دنیا، موجب شده است تا سهم یوان در ترکیب حق برداشت مخصوص طی پنج‌ساله دوم ورودش به سبد، نسبت به پنج‌ساله اول افزایش یابد؛ به طوری‌که با ورود ارز چین به

۲). به‌طور کلی، تصمیم‌گیری در مورد حضور ارزها در ترکیب سبد، تابع دو معیاری است که در نسبت با صندوق بین‌المللی پول احراز می‌گردد: ۱- ارزی که توسط یکی از اعضای صندوق بین‌المللی پول یا اتحادیه پولی دارای اعضای مشترک با صندوق و یکی از پنج صادرکننده برتر جهان صادر شود؛ ۲- و به‌طور هم‌زمان، قابلیت استفاده در معاملات بین‌المللی را نیز داشته باشد.

جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷ و پس از توافقنامه روم، میان ۶ کشور تشکیل شد و با گسترش تعداد کشورها به ۲۷ کشور اروپایی، در سال ۱۹۹۳ و بر اساس توافق ماستریخت، اتحادیه اروپا نام‌گذاری شد. اتحادیه اروپا، یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی است و در سال ۱۹۹۹، واحد پول مشترکی به نام یورو را معرفی کرد که تاکنون در ۱۹ کشور جایگزین اتحادیه، جایگزین پول‌های ملی آنها شده است. هم‌زمان

۱۹۹۶	۱۹۹۱	۱۹۸۶	۱۹۸۱	پول کشورها
۳۹	۴۰	۴۲	۴۲	ایالات متحده (دلار)
۲۱	۲۱	۱۹	۱۹	آلمان (مارک)
۱۸	۱۷	۱۵	۱۳	ژاپن (ین)
۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	فرانسه (فرانک)
۱۱	۱۱	۱۲	۱۳	انگلستان (پوند)
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	مجموع

جدول (۳) ترکیب سبد ارزی حق برداشت مخصوص (SDR) در سال‌های میانی و قبل از تشکیل اتحادیه اروپا؛ ۱۹۹۶-۱۹۸۱

کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان و با هدف برقرار کردن موازنه در برابر نفوذ آمریکا و ناتو در منطقه، پایه‌گذاری شد و در حال حاضر، با پیوستن کشورهای ازبکستان، مغولستان، ایران، پاکستان، هند، افغانستان و بلاروس، گسترش یافته است. پیش‌بینی می‌شود با عضویت ایران در سال ۲۰۲۱ در این سازمان و همچنین، ارتقای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی - که در چارچوب این سازمان صورت می‌گیرد - سرعت تغییر نظم جهانی به نفع مبارزه با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، بیش‌ازپیش بیشتر شود.

منابع:

برق لامع، مسعودالملک. (۱۳۸۶). حق برداشت مخصوص و نظام پولی جهان (۱۹۸۰-۱۸۸۰). ترجمه حسین مهد آرا. چاپ دوم. تهران: نشر نی. خیابانی، ناصر و بزرگ، شادی. (۱۴۰۱). ساختار وابستگی یوان و یورو پیش و پس از پیوستن یوان به سبد SDR: رویکرد Varying-Time Copula. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه. ۲۷ (۳): ۲۶-۳. محترم دولتشاهی، طهماسب. (۱۳۷۸). مبانی علم اقتصاد، چاپ اول. تهران: نشر خجسته.

International Financial Statistics (IFS),
<https://data.imf.org>

این سبد از سهم سایر ارزها، به‌ویژه یورو کاسته شده است (جدول ۳).

مطالعات نشان می‌دهد تا قبل از پیوستن یوان به SDR، مقامات پولی چین حفظ مزیت رقابتی در تجارت و در نتیجه، مداخله برای تضعیف یوان در مقابل دلار، هم‌زمان با تضعیف یورو را در اولویت خود قرار می‌دادند؛ اما پس از پیوستن یوان به سبد SDR، راهبرد چین تغییر کرده است، به‌گونه‌ای که در زمان تقویت یورو، نسبت به دلار، حساسیت بیشتری نشان داد؛ به عبارت دیگر، بانک مرکزی چین به منظور تقویت یوان و ثبات قیمت نسبی ارز خود به مداخله در بازار و تقویت یوان پرداخته است و سرمایه‌گذاران را به نگهداری و حتی افزایش سهم یوان در پرتفوی خود ترغیب می‌کند؛ بنابراین، پیوستن یوان به سبد SDR، اولویت و رفتار مقامات پولی چین را از تمرکز بر تضعیف و حفظ رقابت‌پذیری به تقویت در مقابل دلار و ثبات قیمت نسبی تغییر داده و این امر، حاکی از جهت‌گیری چین برای هرچه پر قدرت کردن یوان در نظام پولی بین‌الملل است (خیابانی و بزرگ، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، چین به عنوان یکی از اعضای مهم سازمان همکاری‌های شانگهای، نقش تعیین‌کننده در مبادلات اقتصادی جهان دارد. این سازمان در سال ۱۹۹۶ به منظور همکاری‌های چندجانبه امنیتی، اقتصادی و سیاسی، توسط رهبران شش